

## تشبیه، وجه غالب صور خیال در غزلیات حسن دهلوی

\* عفت نقابی

### چکیده

امیر نجم الدین حسن بن علاء سجزی از شاعران پارسی گوی هندوستان در قرن هفتم است که صاحب نظران او را؛ در سلاست و روانی و شیوای سخن، سعدی هندوستان خوانده‌اند و در مرتبه فضل و علوم هم‌طراز امیر خسرو دهلوی دوست معاصر و معاشرش قلمداد کرده‌اند. هنر اصلی و شهرت او در غزل سرایی است و به‌دلیل تأثیری که از سعدی شیرازی پذیرفته است، مایه‌های شور و ذوق و ملاحظت و نازک‌خیالی در جای جای اشعار او نمود خاصی دارد. با عنایت به این مسئله بر آن شدیم که اشعار او را در حوزه صور خیال مطالعه کنیم. با بررسی دقیق دریافتیم که تشبیه، وجه غالب صور خیال در اشعار اوست. در این مقاله برای اینکه توانمندی او در ساخت دو سوی تشبیه بهتر درک شود و تازگی تصویرهای شعری او در قلمرو تشبیه مشخص گردد، تشبیه را در دیوان او از لحاظ ساخت و موضوع بررسی کرده‌ایم و به این نتیجه دست یافته‌ایم که بیشتر تشبیه‌های او از نوع حسی به حسی است. نکته حائز اهمیت اینکه تشبیه مرکب از نوع تمثیلی در شعر او بسیار چشمگیر است. از لحاظ موضوع قریب نود درصد تصاویر شعری او در تشبیه بر مدار مشغوق و مسائل مربوط به اوست و همین باعث شده است که اغلب تصویرهای شعری او وام‌گرفته از شعرای متقدم به خصوص سعدی باشد. اما نکته مهم آنکه او همین تصویرهای تکراری را با شگردهای گوناگون زبانی و بلاغی زیباتر و مؤثرتر از دیگران ارائه کرده و بر شیوای سخن خود افزوده است؛ به طوری که با خواندن آنها ناخودآگاه لب به تحسین او می‌گشاییم و همین نکته وجه تمایز او از شاعرانی است که تصویرها و زبانشان نیز تکراری است.

**کلید واژه‌ها:** حسن دهلوی، صور خیال، تشبیه، وجه غالب، غزل فارسی.

---

\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی neghabi\_2007@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۷

مجله مطالعات و تحقیقات ادبی، بهار و تابستان، ۱۳۹۴، شماره ۱۸

## مقدمه

بی کرانه‌ترین حوزهٔ خلاقیت در ادبیات حوزهٔ علم بیان یا قلمرو صورخیال است. معانی در انحصار هیچ‌کس نیست و هر شاعری با تخیل خاص خود، تشیبه‌ها، استعاره‌ها، مجازها و کنایه‌هایی می‌آفریند و از رهگذر آنها همان معانی قدیمی و آزموده همه‌کس را از نو با زبانی تازه و فرمی مخصوص تصویر می‌کند. بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های تأثیرگذاری و زیباترکردن کلام که هدف علم بلاغت است در علم بیان مطرح می‌شود.

واضح است که وجه غالب صورت‌های خیال، که حاصل نیروی تخیل شاعرانه است، تشیبه است و صورت‌های ویژهٔ خیال از قبیل تمثیل و استعاره و تشخیص و رمز و حتی گاهی کنایه یا صورت‌های دیگر بیان که می‌توان با توسع آنها را در دایرهٔ تصویر قرار داد در حقیقت از یک تشیبهٔ پنهان مایه گرفته است. به‌همین سبب قدرت تخیل شاعر تا حد سیاری در کشف پیوند شباهت اشیا آشکار می‌شود (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۵۹).

با اندکی تأمل باید گفت وجه غالب جزء مرکزی از مجموعه اجزای سازندهٔ اثر ادبی و هنری است که فرمان می‌دهد و جنبهٔ تعیین‌کننده دارد؛ جزئی که دیگر اجزاء را دگرگون و انسجام و استواری ساخت و صورت را تضمین می‌کند و هر اثر را تشخیص می‌بخشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۶۰). وقتی مجموعهٔ آثار هنری یک دوره یا یک شاعر و نویسنده را همچون یک کل به‌هم‌پیوسته مشاهده می‌کنیم، حضور وجه غالب را پیش چشم خواهیم داشت. اگر بخواهیم دربارهٔ حوزهٔ گسترهٔ وجه غالب سخن بگوییم باید گفت گسترهٔ آن از حوزهٔ درون‌مایهٔ تا حوزهٔ ساخت و صورت و قالب و حتی فرهنگ‌های کلان بشری است.

همان‌طور که می‌دانیم، قالب‌های شعر فارسی در قرن‌های مختلف گاه نقش وجه غالب به خود گرفته‌اند، چنان‌که قصیده قالب مسلط شعر فارسی در سبک خراسانی و غزل قالب مسلط سبک عراقی می‌شود. بدین ترتیب می‌توان از جلوه‌های مختلف صورخیال نیز سخن به میان آورد که با اندکی تسامح می‌توان فرض کرد هر کدام وجه غالب تصویرهای شعری شاعران در قرون مختلف در شعر فارسی بوده است.

اگر بخواهیم اشعار حسن دهلوی<sup>۱</sup> را از این منظر بررسی کنیم، باید بگوییم وجه غالب صورخیال در شعر او تشیبه، و تصویر مرکزی غزلیات او عشق و مسائل پیرامون آن، و اغلب بن‌مایه‌های غزل‌ها مضماین عاشقانه و عارفانه، وصف معشوق، توصیف ایام وصال و وداع و توصیف بهار و بزم و طرب و می و ساقی و شرح ماجراهای عاشقی است که سراسر شور و سرمستی است.

بنابر همین اصل در این مقاله درخصوص تشبیه و انواع و موضوع آن در غزلیات حسن دهلوی تأمل می‌کنیم و به کشف پیوندهای تازه‌ای که حسن دهلوی به واسطهٔ تشبیه بین پدیده‌ها برقرار کرده می‌پردازیم و تا آنجاکه در حوصلهٔ این مقاله می‌گنجد این پیوندها را وامی کاویم.

### تشبیه در دیوان حسن دهلوی

تشبیه در لغت به معنی چیزی را به چیزی دیگر مانند کردن و در اصطلاح به معنی مقایسه و کشف و یادآوری شباهت یا شباهت‌هایی بین دو چیز متفاوت است. به تعبیری دیگر تشبیه هستهٔ اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است.

تشبیه در اشعار حسن دهلوی جولانگاه اصلی شاعر و برجسته‌ترین محور صور خیال است. با آنکه او در قرن هفتم می‌زیسته و در این دوره شعراء علاوه‌بر تشبیه از استعاره هم سپیار سود برده‌اند، او در اشعارش بیش از هشتاد درصد از تشبیه بهره برده است. با بررسی تشبیه‌ها در اشعار او آنچه دریافت می‌شود این است که برخلاف شاعران ایرانی که در این دوره بیشتر از تشبیه فشرده سود برده‌اند، بیشتر از تشبیهات گسترده استفاده کرده است.

حال با توجه به اینکه تشبیه حوزهٔ عمومی تصاویر شعری او را در برگرفته است، و برای اینکه توانمندی او در دو سوی تشبیه بهتر درک شود و تازگی تصویرهای شعری او در قلمرو تشبیه مشخص گردد، تشبیه را در دیوان او از لحاظ ساخت و موضوع بررسی کرده‌ایم.

#### ۱. تشبیه به اعتبار ساختار

##### ۱.۱. تشبیه به اعتبار ارکان اصلی

تشبیه محسوس و معقول

این نوع تشبیه خود به انواعی چون حسی به حسی، حسی به عقلی و عقلی به حسی و عقلی به عقلی تقسیم‌پذیر است:

الف. تشبیه حسی به حسی: منظور از حسی آن است که با یکی از حواس پنج گانه دریافتنی باشد. بیشترین تشبیه‌های حسن دهلوی از نوع حسی به حسی است.

نمونه:

هر چند که زلف تو سپاهی است جهانگیر  
هر روز پریشان نتوان کرد سپه را  
(۲۹/۴)

شاعر زلف محبوب را به سپاه که هر دو حسی هستند تشبیه کرده و با آوردن مصراع دوم زیبایی آن را چندین برابر کرده است:

تا بر رخ همچون گل از مشک زدی خالی آن حسن که دی بودت امروز دو چندان شد  
(۲۸۶/۳)

که شاعر با آوردن یک جملهٔ پایه برای یک پیرو که مشبه و مشبه‌به آن نیز تکراری است و با کاربرد ترکیب دوچندان بر زیبایی آن افزوده است.

#### ب. تشبيه عقلی به عقلی

در اصطلاح علم بیان تشبيه عقلی آن است که ابزار درک و دریافت آن نیروی عقل باشد. امر عقلی با حواس پنج‌گانه دریافت‌نی نیست و تمام مفاهیم مجرد و انتزاعی نظیر خشم، عقل و غیره عقلی بهشمار می‌آیند. این تشبيه در اشعار حسن دهلوی کاربرد بسیار کمی دارد.

نمونه:

آن بلای هجر چون بگذشت بس باشد مگر شکر باید گفتن آخر نعمت موجود را  
(۴۸/۳)

#### ج. تشبيه حسی به عقلی

همه تن روح صرف‌اند از لطافت اگر از کارگاه خاک و آب‌اند  
(۱۳۲/۶)

#### د. تشبيه عقلی به حسی

دوش هر چند که بر دل ز مژه آب زدم کم نشد آتش شوق تو دل شیدا را  
(۲۱/۳)

راه دل ما دیدی بربسته به خار غم از باغجه رحمت بگشای دری بر ما  
(۲۵/۳)

### ۱.۲. تشبيه به اعتبار افراد و ترکیب

هردو پایه اصلی (مشبه و مشبه‌به) یا یکی از آنها می‌تواند به صورت مفرد (بدون وابسته)، مفرد مقید (همراه وابسته) یا مرکب (هیئتی مرکب از چند چیز) بباید (عسکری، بی‌تا: ۳۳۳).

مفرد غیرمقید:

دهر اگر به وقت گل، گل رخی از حسن ستد ای فلک بنفسه‌وش، لاله‌عذر من کجاست  
(۷/۱)

مفرد مقید:

کعبه ما کوی تو، قبله ما روی تو گر ننمایی تو روی، ما به که روی آوریم  
(۶۱۰/۵)

چون جمال تو هیچ بستان نیست چون تو گل هم در این گلستان نیست  
(۱۷۳/۱)

گشتم ز فرق تا به قدم حلقه چون رکاب آن شمسوار من قدم از من دریغ داشت  
(۱۸۳/۴)

## تشبیه مركب

هردو پایه اصلی مركب:

اسرار خطش در شب زلفش نتوان خواند

(۳۰۶/۳)

گویی که هردو دیو رقیب فرشته‌اند

(۳۱۵/۴)

مشبه: مفرد، مشبه به: مركب

لپ لعل تو بدان لطف و طراوت گویی

(۲۲۸/۳)

## ۱.۳. تشبیه تمثیل

در باب تشبیه تمثیل دیدگاه‌های عالمان بلاغی متفاوت است و به‌طورکلی سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه کسانی چون مطرزی و ابن‌اثیر که تمثیل را مترادف و هم‌معنی با تشبیه می‌دانند. ۲. دیدگاه کسانی چون جرجانی، سکاکی و خطیب قزوینی که تمثیل را نوعی تشبیه دانسته‌اند که وجه شباهت آن از امور متعدد مركب باشد. ۳. کسانی چون رازی و نفتازانی که تمثیل را از زمرة استعاره و مجاز می‌شمارند (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۵۵). با توجه به این دیدگاه‌ها، ما براساس نظریات جرجانی، تمثیل را تشبیه‌می‌دانیم که وجه شباهت آن از یک یا چند جمله منتعز باشد؛ به گونه‌ای که جملات را نتوان از هم جدا کرد و وجه شباهت در آن آشکار نیست و به تأویل نیاز دارد و وجه شباهت صفتی عقلی و غیرحقیقی برآمده از امور متعدد است (جرجانی، ۹۰: ۱۳۷۰).

تشبیه تمثیل در اشعار حسن دهلوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به‌طوری‌که نمونه‌های متعددی از آن گاه چنان شهرت یافته که به شکل ارسال‌المثل در غزلیات او جلوه می‌کند که ناشی از این است که او شاعری هندی است و تمثیل از ویژگی‌های این مکتب است. در اینجا نمونه‌هایی از این نوع تشبیه می‌آوریم:

مصلحت نیست که پندم دهی ای خواجه حکیم هرکسی مصلحت خویش نکو می‌داند

(۱۳۱)

میان عقل و عشق اصلاح نتوان ز مار و باغبان افسانه‌ای هست

(۳۵)

چه پرسی حد عشق از مفتی عقل چه داند نور مه را مردم کور

(۱۸۵)

در زلف بستان مپیچ ای دل (۱۸۱)	کاین قصه سر دراز دارد
جانان دل من به جانب توست (۱۸۱)	گنجشک هواي باز دارد
حسن به کنج دل عاشقانست می‌جويد (۶۴)	محل گنج نهفته است آشکارا نیست
وصل می‌گویی قدم از کوی هستی باز کش (۵۹)	کیمیا در حقه غیب است در بازار نیست
تو هم اینجا و مازتو غافل (۱۷۳)	مکیان قدر کعبه کی دانند
خلاصی بخش دل‌ها را از آن زلف (۳۰۲)	که شب دشوار باشد بر غریبان
چشم نشد از گریه یک چشم‌زدن خالی (۳۸۴)	دریا به گهر دادن مفلس نشود آری
به دوستی منجم ستاره سعد نگردد (۳۷۸)	به همنشینی زرگر کلید گنج نیابی
ای دل ناپخته به عشقش بسوی (۵۸)	خام بود هر که در او سوز نیست

با دقت در این نمونه‌ها می‌توان دریافت حسن دهلوی از قالب تمثیل و ضربالمثل برای اثبات و استدلال و گاه برای تأیید سخن بهره برده و با ایجاز حذف بر بلاغت اشعار خود افزوده است.

#### ۱.۴. تشبيه به اعتبار ادات

اگر ادات تشبيه ذکر شود تشبيه مرسل است و اگر ذکر نشود مؤکد است. اگر هم ادات و هموچه شبه ذکر نشود، بليغ خواهد بود. تشبيه بليغ گسترده در اشعار دهلوی نمود بيشتری از نوع بليغ فشرده (اضافه‌های تشبيه‌ی) دارد.

##### تشبيه بليغ گسترده:

ای شاخ گيسویت علم وی قلب عشاقت حشم (۳۷۹)	از مشک برگل دم به دم صفت کش که سلطان آمدی
گنجی که گوهر چینمت سروی که سایه شینمت (۳۷۹)	ماهی که روشن بینمت صبحی که خندان آمدی
گر بخشی و بگیری چاره جز تسلیم نیست (۳۷۴)	من کمینه بندهام تو پادشاه عالمی

##### تشبيه بليغ فشرده:

کعبه دل (۳۶۸)، خدنگ عشق (۳۷۲)، بنای زهد (۳۷۴)، سپاه نیاز (۲۷۷)، سیارة دل (۱۵۳)، لوح زمین (۱/۲) ... .

### ۱.۵. تشبیه به لحاظ تعدد طرفین که خود به جمع و تسویه، ملغوف و مفروق تقسیم می‌شود:

تشبیه جمع: در این تشبیه یک مشبه و دو یا چند مشبه به وجود دارد:  
 روى توست آن چون گل از خوى گشته تر      یا بهشت از آب کوثر تازه شد  
 (۲۹۱/۴)  
 لشکر مور که بر گرد قمر می‌گذرد      خط سبزت به چه ماند، به لب آب حیات  
 (۲۴۱/۴)

تشبیه تسویه: تشبیهی است که در آن دو یا چند مشبه با عطف یا غیر عطف فقط یک مشبه به داشته باشد:

ای روی و مویت آیتی حکم امید و بیم من      حکمی که می‌خواهی بران استادهام تسلیم را  
 (۱/۲۳)

تشبیه مفروق: در این تشبیه هر مشبه در کنار مشبه به خود قرار دارد:  
 روى او آفاق را شمس‌الضاحی      کوی او عشقاق را حسن‌المآب  
 (۲/۵۰)

پری رویا بنام‌ایزد جمال حور عین داری      مژه چون نیش زنبور و دلی چون انگبین داری  
 (۱/۷۶۶)

تشبیه ملغوف: در این تشبیه ابتدا همه مشبه‌ها و سپس مشبه‌ها می‌آیند:  
 سرو و گل چون قامت و رویت ندیدم در چمن      همچو لعل شکرافشانت نبات و قند نیست  
 (۱۶۲/۲)

### ۱.۶. اقسام دیگر تشبیه

تشبیه مضمر: آن است که در وصف چیزی به اضماء تشبیهی کنند (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).  
 از خلد و نعیم بی‌نیازیم      تا کوی تو گشت منزل ما  
 (۳۷/۳)

تشبیه تفضیل: تشبیهی که در آن مشبه بر مشبه به برتری داشته باشد:  
 چون جمال تو هیچ بستان نیست      چون تو گل در همه گلستان نیست  
 (۱۷۳/۱)  
 ای ز بهار تازه‌تر سوی بهار می‌روی      پیش تو گل پیاده شدتا تو سوار می‌روی  
 (۳۶۹)  
 ناف چین در چین زلفت آفرید      وز رخت خورشید تابان آفرید  
 (۱۷۳)

وزرخ گلرنگ تو آب حیات      وزرخ گلبوی تو جان آفرید  
(۱۷۳)

همان طور که مشاهده می کنیم، زبان شاعر در این تشبیه ها بسیار ساده و روان و نزدیک به زبان سعدی است.

تشبیه تلمیحی: در آن تلمیح وجود دارد:

در کنج فرقت روز و شب داودسان نالیده ام      بر تخت وصلت ای پسر یک شب سلیمان کن مرا

(۲۱/۲)

پیراهن یوسف سوی کنعان که رساند      بوی سر آن زلف در این کلبه که آورد  
(۳۰۸/۴)

تشبیه حروفی: در این تشبیه مشبه از جهت شکل به یکی از واج های صامت مانند می شود:

چون جیم صدر جنت او، ما را دلیل رحمت او      چون دال تاج دوست او بل همچو اوفروفا  
(۴۴/۵)

## ۲. تشبیه به لحاظ موضوع

با بررسی اشعار حسن دهلوی درباب موضوع تشبیه، باید گفت که نود درصد مشبه های او معشوق است. او در توصیف محبوب از همه عناصر طبیعی، غیرطبیعی، محسوس و نامحسوس استفاده می کند و تاجایی که می تواند مقام معشوق را والا به تصویر می کشد و به همین جهت باید گفت دایره تصاویر تشبیه ای او از این جهت بسیار محدود است و در بیشتر موارد وصف حالات و اوصاف زیبایی ها و ناز و جفای معشوق است. موضوع مشبه های او معمولاً عناصر طبیعی، اشخاص، حیوانات و اشیاء هستند.

### ۱.۲. عناصر طبیعی

دایره عناصر طبیعی در حوزه صور خیال او را موضوعاتی چون روییدنی ها، آسمان و واپسته هایش به خود اختصاص داده اند.

#### ۱.۱. روییدنی ها

حسن دهلوی برای تشبیه قد و قامت یار در زیبایی و راست قامتی از درختانی چون سرو، شمشاد، نارون و نخل استفاده کرده است که تکراری است، اما او این تصویرهای تکراری را با تشبیه تفضیل جامه ای نو و تازه پوشانده و از ابتدال دور کرده است. او بیش از پنجاه بار معشوق و قد او را به سرو تشبیه کرده است:

عالم چو توبی دگر ندارد      سروی ز تو تازه تر ندارد  
(۲۲۳/۱)

سرو را بالا خوش است اما بالانگیز نیست      نسبت بالای فتنش مکن با هیچ سرو  
(۱۶۸/۳)

در تصاویری که او از روییدنی‌ها ساخته است گل‌ها بالاترین بسامد را دارند که اغلب برای تصویرسازی اوصاف معشوق به کار می‌رود و نشان‌دهنده طبع لطیف و روح حساس است. در این تشبیه‌ها مشبه معشوق شاعر است و سوسن و سوری و نسرین بیشترین کاربرد را دارند. نمونه‌ای بسیار لطیف که شاعر با یک تشبیه تفضیل و ایجاز قصر، تصویری بسیار زیبا از قامت معشوق ارائه کرده است:

تا قامت چو شاخ گلت دید باغبان  
(۱۸۹/۳)

#### ۲.۱.۲. آسمان و وابسته‌هایش

آسمان و وابسته‌هایش در تشبیه‌های او همواره مشبه‌به هستند و مشبه این تشبیه‌ها اغلب محبوب است و این مسئله مبین نگرش والاًی او به محبوب است. در بین این عناصر ماه و خورشید بیشترین بسامد را دارند.

شما از دور یکبارش ببینید  
به نزدیک من او ماه دوهفته است

همان طور که مشاهده می‌شود، با تشبیه‌ی تکراری مواجهیم که شاعر با آوردن یک جمله امری در کنار جمله خبری آن را نو و برجسته می‌کند.

نمونه‌های برجسته و زیبای دیگر:

آفتابی دید بر بام و هم از در بازگشت	گفت مشاطه روم رویش بیمارایم چو ماه
(۵/۱۵۳)	
بگذر به کشتزار که زارست حال کشت	تخدم امید کشتم و تو ابر رحمتی
(۱۹۳/۴)	
چون تو گل در همه گلستان نیست	چون جمال تو هیچ بستان نیست
(۱۷۳/۱)	

در این تشبیه‌ها با آنکه مشبه و مشبه‌به تکراری است، شاعر با بهره‌بردن از کنایه و استعاره و ایجاره‌ای بلاغی زیبایی‌های ابیات را دوچندان کرده است.

#### ۲.۲. حیوانات

در این تشبیه‌ها حیوانات مشبه‌به هستند و جالب توجه آنکه شاعر خود را به حیواناتی چون روباه، بلبل، صعوه، پروانه، پشه تشبیه می‌کند و در مقابل معشوق را به شیر، عقاب، کبک و فیل مانند می‌سازد و این مبین آن است که معشوق نزد او بسیار مقندر و خودش دربرابر او ضعیف و ناتوان است.

این عقل من و عشق تو دانی به چه ماند  
روباء که با شیر زند لاف جلادت

(۶۴/۴)

**عقایم از عشق تو برمی‌ناید پشه با پیل کجا در زور است**

(۱۰۳/۲)

**سر و سهی گفته‌اند او به از آن خاسته است کبک دری دیده‌ام او به از آن می‌رود**

(۳۶۱/۳)

**۲.۳. وسائل زندگی**

حسن دهلوی در بین لوازم زندگی بیشتر از آنها که در دسترس اند مثل وسائل نوشیدنی، پوشیدنی، ابزار جنگی، وسائل زینتی، وسائل بازی و سرگرمی بهره برده است: جام، قرابه، ساغر، فرش، گلیم، بوریا، چراغ، شمع، قیر، عود، مجمر، کلید، سپر، چتر، تیر، کمان، ناوک، خنجر، زنجیر، کمند، سپر، رکاب، فتراک، طبل، شترنج، گوی و چوگان، دفتر و لوح، طومار، نقش، تخته، شانه، آینه، زر، گوهر، جواهر، در، لعل، عقیق، یاقوت، الماس، کیمیا، گوگرد... جالب توجه اینکه بیشتر این اشیا هم در خدمت تصویرهای شاعرانه و عاشقانه و در خدمت معشوق است.

نمونه‌ای از تشبیه‌های بسیار لطیف که مشبه به آن لوازم زندگی و مشبه آن متعلقات

محبوب (لب و گیسو) است:

**دلکی داشتم چو شیشه صاف لب می‌گونست زور کرد و شکست**

(۱۳۶/۲)

**باز کن فرش ناز کاین دروبش زهد چون بوریا بپیچیده است**

(۱۳۳/۶)

**خیزم سوی میدان شوم با قد او چوگان شوم چون گوی سر غلتان شوم کان شهسوارم می‌رسد**

(۲۶۵/۳)

**شنیدی قصه زنجیر و کعبه رخش را کعبه دان و زلف زنجیر**

(۴۳۶/۶)

**۲.۴. اشخاص**

از میان اشخاص، معشوق محور اصلی تشبیه‌های دهلوی است که اغلب تشبیه‌ها در خدمت اوست؛ به طوری که همه جهان خیال و زوایای ذهن شاعر را به خود معطوف کرده و همه تصویرهای شعری او را به خود اختصاص داده است.

غیر از معشوق، شخصیت‌های دینی چهره‌های برجسته‌ای هستند که شاعر در تشبیه‌ها از آنها بهره گرفته است. از میان آنها می‌توان از یوسف، یعقوب، سلیمان، داود، ابراهیم، عیسی، و امام حسین(ع) نام برد. جالب توجه آنکه این شخصیت‌ها هم در خدمت معشوق قرار گرفته‌اند و او محبوب خود را در عزیزی به یوسف و در مقام به سلیمان و در شفابخشی به مسیح و در غم فراق یار به یعقوب مانند ساخته است. نمونه‌ای از تشبیهاتی که مشبه به آن شخصیت‌های دینی است:

همچون حسینم خسته‌تن، از جور مشتی شور فن چشم رضا نه بر حسن حق علی مرتفعی

(۳۲/۶)

دیده روشن شودم بار دگر چون یعقوب گر چو تو یوسف غایب شده را یابم باز

(۴۴۵/۳)

در بین مقدسات بهشت، کعبه، قبله، و محراب برای او در خورستایش است و همه اینها نیز در خدمت معشوق و معبد است.

روی تو بهشت عارفان است آنجـا نظر فـسـاد نـتـوان

(۶۸۳/۲)

گـفتـیـ کـهـ بـهـ کـعـبـهـ روـ دـعـاـ کـنـ خـودـ کـعـبـةـ مـنـ توـبـیـ دـعـاـ هـمـ

(۵۸۸/۵)

توـ کـعـبـهـ منـ وـ چـهـ بـودـیـ کـهـ اـزـ توـامـ طـاعـتـ قـبـولـ گـشـتـیـ وـ حاجـتـ رـواـ شـدـیـ

(۷۷۵/۵)

از دیگر تصاویر خیالی که بعد از تشبیه در شعر او جلب توجه می‌کند تشخیص است. شاعر با توجه به دید وسیع و خلاقیت فکری با جهان اطراف خود کمال انس و الفت دارد و با همه‌چیز سخن می‌گوید. او افعال، خصوصیات، حالات و عواطف انسانی را به عناصر و موجودات طبیعی، مفاهیم انتزاعی، ذهنی و اشیا نسبت داده است. در بین مفاهیم ذهنی انتزاعی شاعر عقل و عشق را بیشتر از دیگر مفاهیم به تصویر کشیده است و اعمال و افعال و حالات و صفات انسانی را به آنها نسبت داده است.

عقل در اشعار او مثل انسانی است که می‌تواند بخواند، بگوید، بگریزد، مطیع باشد، تعجب کند؛ و عشق نیز می‌تواند لشکرکشی کند، خوشحال شود، و به طرب آید، و گاهی بترسد و نگران شود.

سؤال کردم دل را که ناله تو ز چیست؟ به ناله گفت چه پرسی فلان نمی‌پرسد

(۲۵۷/۵)

او در توصیف طبیعت بیشتر با گل‌ها ارتباط دارد و این طبع لطیف و حساس شاعر را نشان می‌دهد. او در بخش تشخیص گل را چون زیبارویی به تصویر کشیده که گاهی خود را می‌آراید و با معشوق شاعر رقابت می‌کند. ولی هرگز به پای او نمی‌رسد. گاهی با خنده خود شاعر را به شور می‌افکند و با رفتن خود او را گریان می‌کند.

حسن دهلوی در بخش تشخیص بیشتر از طبیعت و مفاهیم انتزاعی سود جسته و بیشتر این تصاویر را در خدمت معشوق به کار برد است؛ بهطوری که می‌توان گفت قریب

نود درصد تصاویر شعری او در تشیبیه و تشخیص بر مدار معشوق می‌چرخد و همین نکته باعث شده است که اغلب تصاویر شعری او وام‌گرفته از شعرای متقدم و مشهوری چون سعدی باشد. البته لطافت و روانی و سهل و ممتنع بودن اشعار او حدیث دیگری است که باید در مجالی دیگر به آن پرداخته شود.

### نتیجه‌گیری

با بررسی دقیق غزلیات حسن دهلوی دریافتیم که وجه غالب صور خیال در شعر او تشیبیه، و تصویر مرکزی غزلیات او عشق و مسائل پیرامون آن و اغلب بن‌مایه‌های غزل‌ها مضامین عاشقانه و عارفانه، وصف معشوق، توصیف ایام وصال، وداع، توصیف بهار، بزم طرب و می و ساقی و شرح ماجراهای عاشقی است، وجودش سراسر شور و سرمستی است.

از لحاظ ساختار تشیبیه می‌توان گفت انواع تشیبیه در دیوان او دیده می‌شود و تشیبیه‌های او بیشتر از نوع حسی و مرکب است و نکته حائز اهمیت اینکه تشیبیه مرکب از نوع تمثیلی در شعر او بسیار چشمگیر است. این امر ناشی از این است که او شاعری هندی است و تمثیل از ویژگی‌های این مکتب است.

از لحاظ موضوع دریافتیم که قریب نود درصد تصاویر شعری او در تشیبیه بر مدار معشوق و مسائل مربوط به اوست و همین نکته باعث شده اغلب تصویرهای شعری او وام‌گرفته از شعرای متقدم بهخصوص سعدی باشد. البته تصویرهای بکری هم در حوزهٔ تشیبیه دارد که در مقاله آمده است. او در توصیف محبوب از همهٔ عناصر طبیعی، غیرطبیعی، محسوس و نامحسوس استفاده می‌کند و تا جایی که می‌تواند مقام معشوق را والا به تصویر می‌کشد و به‌همین‌جهت باید گفت دایرهٔ تصاویر تشیبیه‌ی او از این‌جهت بسیار محدود است و در بیشتر موارد وصف حالات و زیبایی‌ها و ناز و جفای معشوق است. موضوع مشبه‌بهه‌ای او عموماً عناصر طبیعی، اشخاص، حیوانات و اشیاء هستند.

در تصاویری که او از روییدنی‌ها ساخته است گل‌ها بالاترین بسامد را دارند که اغلب برای تصویرسازی اوصاف معشوق به کار می‌رود که طبع لطیف و روح حساس شاعر را نشان می‌دهد. در این تشیبیه‌ها مشبه معشوق شاعر است و سوسن و سوری و نسرین بیشترین کاربرد را دارند.

از میان اشخاص، معشوق محور اصلی تشیبیه‌های اوست که اغلب تشیبیه‌ها در خدمت او قرار گرفته‌اند. به‌طوری‌که معشوق همهٔ جهان خیال و زوایای ذهن شاعر را به خود معطوف کرده و همهٔ تصویرهای شعری او را به خود اختصاص داده است.

غیر از معشوق، شخصیت‌های دینی چهره‌های برجسته‌ای هستند که در تشیبیه‌ها از آنها بهره گرفته است. از میان آنها می‌توان از یوسف، یعقوب، سلیمان، داود، ابراهیم، عیسی، و

امام حسین(ع) نام برد. جالب توجه آنکه این شخصیت‌ها هم در خدمت معشوق قرار گرفته‌اند و او محبوب خود را در عزیزی به یوسف و در مقام به سلیمان و در شفابخشی به مسیح و خود را در غم فراق یار به یعقوب مانند کرده است.

نکته حائز اهمیت در تصویرهای شعری حسن دهلوی و وجه تمایز او از شاعرانی که تصویرها و زبانشان نیز تکراری است، این است که اگرچه تصویرهای شعری او عموماً تکراری و وام‌گرفته از شاعران قبل از او و بیشتر از سعدی است، اما شاعر همین تصویرهای تکراری را با شگردهای گوناگون زبانی و بلاغی زیباتر و مؤثرتر از دیگران ارائه کرده و بر شیوه‌ای سخن خود افزوده است؛ به طوری که با خواندن آنها ناخودآگاه لب به تحسین او می‌گشاییم. به نظر می‌رسد همین شگردهای زبانی و نکته‌های بلاغی باعث شده است که لقب سعدی هندوستان به او اختصاص یابد.

### پی‌نوشت

۱. حسن دهلوی در حدود سال ۶۵۰ هق دیده به جهان گشود. مولدش را تذکرہ‌نویسان دهلي نوشته‌اند اما چنان‌که خود در دیوانش به این موضوع اشاره کرده است در شهر بدایون چشم به جهان گشوده و در دهلي تربیت یافته است:

بنده حسن بین سال و مه در طاعت این بارگه پروردۀ فضل ایزدش ارشاد غیبی مرشدش	در همت والای شه صد گونه الا داشته بوده بدایون مولدش دهلي است منشأ داشته	(ق/۱۳۹)
--	--	---------

او را در سلاست و روانی و شیوه‌ای سخن، سعدی هندوستان خوانده‌اند و در مرتبه فضل و علم هم‌طراز امیر خسرو دهلوی دوست معاصر و معاشرش قلمداد کرده‌اند. او نه تنها در غزل‌سرایی استادی تواناست که در عرفان و تصوف هند مقامی مخصوص به خود دارد. او مرید خاص نظام‌الدین اولیاء معروف‌ترین عارف از عرفای سلسلة چشتیان هند بود و از ارشاد و نصایح شیخ خود بهره‌ها برده و توشه‌ها اندوخته بود. بنابر ارادت بسیارش به طریقت تصوف، سخنان شیخ را عیناً در مجالس او نوشته و کتابی به نام *قواید الفوائد* گرد آورده است که مشتمل بر ۱۸۸ مجلس است (صفا، ۱۴۵: ۲/۱۳۸۰): «و در شأن و مقام این رساله همین بس که سلطان‌الشعراء امیر خسرو دهلوی به کرأت گفتی: کاشکی تمامی کتب که عمر در آن صرف کرده‌ام برادر امیر حسن را بودی و ملفوظات سلطان‌المشايخ که جمع کرده اوست مرا بودی».

او رساله دیگری نیز در موضوع عشق به نام *مخ المعنی* دارد که در آن عشق را مخ و محک و بیخ و بن عرفان دانسته و این رساله را در سه فصل نگاشته که در هر فصل به یکی از حروف عشق و معانی مختلف هر کدام از آن حروف پرداخته است و در هر فصل آیات و روایات و داستان‌ها و حکایاتی مناسب با آن از مولوی و عطار و... دیگران آورده است که می‌بین وقوف و آگاهی او از عرفان ایرانی و اسلامی است. برای نمونه عبارتی از این رساله در اینجا نقل می‌شود.

«... عشق آفتابی است که زوالی ندارد. این آفتاب به روزن دل هر که گذر داشت درهای از هستی او باقی نگذاشت. این آفتابی است که طلوع او از فلک درد است و غروب او در دل درمندان. هر سوخته تاب این نیارد و عیسی صفتی باید که هم صحبتی این آفتاب تواند کرد...».

... چنان که حربا عاشق آفتاب است. آن صوفی کبودپوش که نیلوفر نام دارد در عشق آفتاب خرقه بازی می‌کند. نبینی که به برکت عشق سجاده بر روی آب انداخته است. ای نیلوفر تو این کرامات‌ها از کجا یافته؟ مرا نیز پیر عشق روا کرده است. من ارادتی که به پیر عشق دارم و سکونت به صفت معشوق درنظر من نیز آفتاب است، لاجرم از نظر او بر آب خود مانده‌ام. هر روز که آن سلطان یکه‌سوار را تیغ کرشم انداده در میان سر باختر می‌بینم؛ سر بر آب اندازم. بیت:

بازآ که در این میدان کس نیست به غیر تو      شمشیرزدن از تو، از من سپراندازی  
(۷۰۵/۳)

همه روز در شکل او حیران می‌باشم و در شمایل او مایل، شب را چون او با رایات عالم‌گشای خود به خم خانه مغرب برد، من گرد خیمه خون آلوده خود را فراهم گیرم و همه شب پرده اوراق بر روی خود فراز کنم و بی‌آن چشمۀ نور تا صبح چشم باز نکنم».

دیوان اشعار او شامل نه‌هزار بیت مشتمل بر قصیده، غزل، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند، رباعی و مثنوی است. از میان آثار حسن دهلوی بیشترین حجم مربوط به غزل‌یات می‌شود و براساس نسخه چاپ تهران دارای ۹۰۱ غزل است. هنر اصلی او و شهرتش در غزل‌سرایی است و بهدلیل تأثیری که از شیخ اجل سعدی شیرازی پذیرفته مایه‌های شور و ذوق و ملاحت اشعار خود را برگرفته از نازک‌خیالی سعدی دانسته است:

حسن گلی ز گلستان سعدی آورده است      که اهل دل همه گلچین آن گلستانند  
(۱۵۸)

## منابع

- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴) سفر در مه. تهران: سخن.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۰) سرای البلاغه. ترجمه جلیل تجلیل. تهران: دانشگاه تهران.
- دهلوی، حسن (۱۳۸۳) دیوان اشعار. به‌اهتمام احمد بهشتی و حمیدرضا قلیچخانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۲) دیوان حسن سجزی دهلوی. به‌اهتمام مسعود علی محوی بی. ای (علیگ). هندوستان: حیدرآباد دکن.
- رجایی، محمدخلیل (۱۳۷۹) معالم البلاغه. چاپ پنجم. شیراز: دانشگاه شیراز.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۰) بیان. فردوس. چاپ چهاردهم. تهران: فردوس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰) صور خیال در شعر فارسی. چاپ هشتم. تهران: آگه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱) رستاخیز کلمات. تهران: سخن.
- صادقی، میمنت (۱۳۷۶) واژه‌نامه هنر شاعری. تهران: مهناز.
- صفا، ذبیح‌اله (۱۳۸۰) تاریخ ادبیات ایران. چاپ دهم. تهران: فردوسی.
- عسکری ابوهلال (بی‌تا) معیار البلاغه. ترجمه محمدجواد نصیری. تهران: دانشگاه تهران.
- فتحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۵) پلاخت تصویر. تهران: سخن.

قدامه ابن جعفر (۱۹۳۷) نقد/شعر. به تصحیح و مقدمه طه حسین و عبدالحمید العبادی. قاهره:

مکتبه الخانجی.

کاشفی، واعظ (۱۳۶۹) بداعلیع الافکار فی صنایع الاشعار. ویرایش میرجلال کزازی. تهران: مرکز.

همایی، جلال الدین (۱۳۷۰) معانی و بیان. تهران: هما.